

- ۱ • تبیین در حاکمیت
- ۲ • نعمت جمهوری اسلامی
- ۳ • دوران بزن درو سلبریتی‌ها تمام می‌شود؟
- ۴ • سرزمینم ایران

# انقلاب جهانی اسلامی



## تبیین در حاکمیت

◀ سید امیرحسین عراقچی

جهاد تبیین امری است که سال‌هاست توسط مقام معظم رهبری تأکید شده است. ولی هنوز به درستی اجرا نشده و یا در اجرای آن سستی به عمل آمده است. با ارجاع به سخنان رهبری می‌توان اهمیت تبیین و فعالیت در آن که رهبری از آن تعبیر جهاد کرده‌اند، را پی برد. یکی از اقسام تبیین در راستای روشننگری از فعالیت‌ها و اقدامات حاکمیت و دولت می‌باشد. حاکمیت با انجام این نوع از تبیین اثرات و فوایدی خواهد داشت که در ادامه ذکر خواهد شد.

❶ **تبیین عامل ایجاد شفافیت:** شفافیت یکی از چالش‌های امروزه دستگاه‌های دولتی در بخش‌های مختلف می‌باشد. برای نمونه در زمینه مالیات، شفافیت در حوزه به‌کارگیری مدیران دستگاه‌های دولتی، شفافیت در حوزه پرداخت حقوق و دستمزد سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و شفافیت در رانتهای ایجاد شده و... پس بدیهی است که روشننگری در این حوزه‌ها عامل ایجاد شفافیت می‌باشد.

❷ **مدیریت تصویر مثبت دولت در رسانه‌ها:** یکی از معضلات حال حاضر ایران تصویر منفی است که

شد و از همان آغاز، وارد مسائل پیچیده جهانی شد؛ در حوزه نظامی مستقیم و غیرمستقیم با آمریکا وارد نبرد شد، در حوزه سیاسی با قطع روابط دیپلماتیک وارد تعامل خصمانه‌ای با آن شد و از نظر اقتصادی تحت تحریم‌های شدید آمریکا قرار گرفت و الان پس از گذشت ۴۴ سال از ابتدای انقلاب، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رقیبان آمریکا به طور متناوب در اسناد امنیت ملی این کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هدف از این نوشته بیان چگونگی امکان چنین تقابلی است. در شرایط کنونی جهان، یکی از مهم‌ترین راهکارهای تقابل با آمریکا که باید همیشه مورد توجه باشد، تغییر قواعد و زمین بازی است. آمریکا پس از جنگ جهانی دوم، یک قاعده گذار بازی‌های جهانی شده است. در سازمان ملل قاعده چینی می‌کند، عناصر نامطلوب جهانی از صدام حسین تا بن لادن را مستقیم و از مرسى تا قذافی را غیرمستقیم حذف می‌کند و زمین بازی جهانی را نظم می‌دهد تا بتواند آن را اداره کند. آمریکا بزرگ‌ترین و تنها قاعده گذار بازی است که هیچگاه محکوم نمی‌شود و همیشه دیگران را محکوم می‌کند. در این زمین بازی، جمهوری اسلامی همیشه محکوم است، چون در تقابل با قاعده گذار است. اساساً

ادامه در صفحه ۳

◀ سرمقاله



احمدرضا حبیبی باباده

از ابتدای انقلاب اسلامی، قدرت‌های بزرگ از شرق تا غرب عالم در مقابل آن موضع‌گیری داشتند و هر روز این انقلاب با چالشی همراه بود و یا حتی هر ساعت از آن. پس از

انقلاب و تثبیت آن در ایران، حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان معمار کبیر انقلاب اسلامی سخن از صدور انقلاب به میان آورد. سخنی که برای بسیاری از کشورها، چه منطقه‌ای و چه جهانی عجیب بود و آنها را به واکنش برانگیخت. تفسیر صدور انقلاب به کزات انجام شده است اما شاید بتوان از منظری دیگر صدور انقلاب را در کنار یکی از آرمان‌های آن و به مثابه تکه‌هایی از یک پازل گذاشت و تفسیر کرد؛ صدور انقلاب در کنار نفی استکبار جهانی.

سرنوشتی استکبار جهانی به سردستگی آمریکا از همان ابتدای کار به‌عنوان یکی از اهداف انقلاب اسلامی بیان شده بود و علی‌رغم اینکه برخی توصیه می‌کردند از ابتدای انقلاب و در زمانی که ریشه‌های آن تثبیت نشده است نباید به مصادف آمریکا رفت، امام از همان ابتدا زمین بازی نبرد را با آمریکا تعریف کرد. زمین بازی که مهره بزرگی مانند شوروی در آن حذف شد. انقلاب اسلامی به طور مستقیم وارد این نبرد

اینجا ایران است، کشوری که ۴۰ سال پیش به گزارش بانک جهانی ۴۶ درصد مردمش، زیر خط فقر بودند، اما در سال ۱۳۹۲ ه.ش به ۸/۱ درصد رسید که متأسفانه در دوران دولت غرب‌گرای تدبیر و امید، آمار فقر به شدت افزایش یافته است.

• **چی بودیم**  
• **چی شدیم**



## سفارش به مسئولین جمهوری اسلامی ایران

امام روح الله



به مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران، برای چندمین بار، سفارش می‌کنم - و این نصیحت و سفارش همیشگی است - که قدر این نعمتهای بزرگ الهی را بدانند؛ و در شرایط کنونی و آینده‌های دور، اولویت را به این عزیزان و کسانی بدهند که در راه اسلام خون داده‌اند و مبارزه کرده‌اند؛ و بشدت از بهانه جویی و سنگ اندازی و مانع تراشی و کاغذبازی، که مانع رشد آنان و ملت دلاور ایران است، خودداری ورزند.

صحیفه امام جلد ۲۰ صفحه ۳۸ و ۳۹

# نعمت جمهوری اسلامی

سبحان شایسته

نباشد بلکه بستر تحققش هم مهیا باشد. دیگر این را حتی هیچ‌کس نشنیده که روزگاری کسانی مثل شهید اول و شهید ثانی اعدام شدند؛ چون فقط احکام اولیه طهارت و نجاست را به شیعیان می‌آموختند و وجوهات آنها را جمع‌آوری می‌کردند.

نسل اول انقلاب نگفته‌اند از دورانی که نخست‌وزیر پهلوی می‌گفت: «ایرانی‌ها حتی نمی‌توانند آفتابه بسازند...» اما همین پیرمردها دیدند تولد رویانا و ماهواره‌بر امید و موشک سجیل و امثالهم را...

اصلاً همین امروز کافی است تا سری به آذربایجان و لبنان و پاکستان بزنیم و محدودیت و تحمل فشار شیعیان را برای کوچک‌ترین کارها ببینیم تا ضرورت وجود حکومت را برای برپایی آن آرمان‌های شیعه متوجه شویم.

آرمان‌هایی که تمامی انبیا و ائمه اطهار، شب و روز برای تحقق آنها در قالب یک حکومت اسلامی مبارزه کردند

می‌توانیم امروز از خود بپرسیم که کدام یک از کنشگری‌های ما در حوزه دین بدون وجود حکومتی توحیدی ممکن بود و ببینیم که خداوند متعال چه نعمت بزرگی را به ما ارزانی داشته است. اما این تازه آغاز راه ماست؛ اگر ما ارزش این نعمت را فهمیدیم، متوجه می‌شویم شکرکردن و استفاده صحیح از آن باید هر لحظه مثل یک مبارز زندگی کنیم.

اگر بعد از تحقق این انقلاب اسلامی خودمان را طلبکار بدانیم و احساس کنیم که هیچ وظیفه‌ی خاص دیگری در قبالش نداریم، آنجاست که باید خطر انحطاط این شجره طیبه را حس کنیم و برادرفتن این آرزوی دیرینه‌ی همه آزادی‌خواهان را به چشم خود ببینیم.

ما امروز برای محاسبه صحیح وضع موجود و نگرش درست به جمهوری اسلامی باید به این پدیده از بالا و به‌صورت کلان نگاه کنیم؛ یعنی باید اوضاع گذشته‌مان را یادآور شویم سپس وضع حال را بررسی کنیم و بعد از آن هم نگاهی بیندازیم به مسیری که از امروز به بعد باید طی کنیم.

در تمام تاریخی که بشر طی کرده، فقط چهل سال حضرت سلیمان و چهل سال حضرت داوود به روایت عتیق و شانزده سال و نیمی هم پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین و امام مجتبی (ع) توانسته‌اند حکومت را به دست بگیرند؛ و در جهت خواست الهی امور را به‌پیش ببرند.

در بقیه تاریخ، تمامی انبیا در همه دوران رسالتشان و اولیا دین اسلام یعنی در تمام زمان انسان ۲۵۰ ساله، جنگیده‌اند برای برپایی حکومت اسلامی شبیه جمهوری اسلامی...

اینجاست که ما می‌توانیم کمی، نعمتی که مثل امنیت و سلامت برای ما پنهان است را درک کنیم. یکی از مشکلاتی که فشر نوجوان و جوان ما امروز این است که گذشته‌ها برای آنها روایت نشده است.

آنها از نسلی که پدر بزرگ و مادر بزرگ‌هایشان هستند نشنیده‌اند از خطراتی که برای نگهداری یک رساله توضیح‌المسائل مرجعشان متحمل می‌کردند، نشنیده‌اند از محکومیت‌هایی که برای برگزاری یک روضه صادر می‌شد، کسی برایشان نگفته است از خون‌دهایی که مادران ما برای حفظ حجابشان خوردند.

از پیرمردانی که رؤیای شیشان وجود یک ساختار قدرتمند در حاکمیت جامعه بود تا بتوانند به‌راحتی احکام اسلام را برقرار کنند؛ تا دیگر نه‌تنها سخن گفتن از عدالت و استقلال و پیشرفت مضحک

در رسانه‌های داخلی و خارجی از آن به تصویر کشیده شده است. افکار عمومی در گستره بین‌المللی تحت تأثیر قرار گرفته و حتی در کشورهای هم پیمان مانند عراق افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده است و باعث ایجاد تصویر منفی در مردم آن کشورها نسبت به ایران و ایرانی شده است. تبیین و روشنگری به‌هنگام باعث جلوگیری از ایجاد این چنین تصاویری خواهد شد.

**جولوگیری از تفسیرهای غلط و یا تحریف:** ادراک تک، تک افراد جامعه نسبت به تصمیمات و اقدامات ابهام‌انگیز دولت بسیار مهم است و می‌تواند از ایجاد تحلیل‌ها و تفسیرهای غلط جلوگیری کند. چراکه بدون در نظر گرفتن ابعاد مختلف تصمیمات و اقدامات انجام شده دست به تحلیل یک‌طرفه بزند و باعث ایجاد بی‌عدالتی و نارضایتی شود؛ در صورتی که می‌توان با روشنگری از ابعاد مختلف تصمیمات و ابعاد مختلف اقدامات این ادراک غلط را کاهش و به صفر رساند.

**بهبود عملکرد دستگاه‌ها:** با افزایش روشنگری‌ها و شفافیت‌ها، سازمان‌ها و دستگاه‌های حاکمیتی سعی می‌کنند بر اساس انتظارات و نیازهای مردمی تصمیم و اقدامات عملیاتی مبتنی بر آن را انجام دهند. بدیهی است با این کار، رضایت‌های مردمی بر اثر عملکرد صحیح افزایش یافته و بر اثر عملکرد غلط کاهش می‌یابد.

**فرهنگ‌سازی روشنگری در همه ابعاد جامعه:** با انجام روشنگری و الزام آن بر دستگاه‌های اجرایی و تصمیم‌گیری دولتی پس از مدتی تبیین در جامعه به یک فرهنگ تبدیل شده و اثرات آن در سایر ابعاد جامعه بروز پیدا می‌کند.

**افزایش سلامت اجتماعی و روانی:** امروزه خبرهای ضدونقیض بسیاری در شبکه‌های اجتماعی شنیده می‌شود. این خبرها بدون هیچ فیلتری در دسترس هر گروه سنی قرار می‌گیرد که شاید اصلاً مناسب سن و روحیات آنها نباشد؛ لذا باید با روشنگری و تبیین سلامت اجتماعی و روانی جامعه را افزایش داد. پس از بیان این موارد که به‌صورت کوتاه ذکر شد، اهمیت تبیین و روشنگری توسط دستگاه‌های دولتی که از سوی رهبری هم به آن تأکید شده روشن می‌شود.

# دوران بزنی در روسلبریتی هاتمام می شود؟! <sup>۴</sup> طها کمالی



**ادامه از صفحه ۱** قاعده‌گذاری جهانی حربه اصلی آمریکا برای استیلای بر آن و استثمار همه کشورهاست. شاید آمریکا نتواند به طور مستقیم با چین و روسیه و یا حتی اتحادیه اروپا روبه‌رو شود اما قطعاً با قاعده‌گذاری می‌تواند همه اینها را مدیریت کند. چنانچه تاکنون کرده است. اقتصاد کشورهای جهان را وابسته به دلار می‌کند و افسار آن را مستقیماً در دست می‌گیرد. پیمان‌نامه‌های جهانی می‌نویسد و شورای امنیت تشکیل می‌دهد تا جلوی برهم‌زدن بازی را محکم بگیرد. انقلاب اسلامی، انقلاب تغییر قواعد جهانی بود، فریاد بلندی بود که کاخ استیلای آمریکا را لرزاند. فریاد پیر خمین این پیام را به جهان مخابره کرد که می‌توان در جهان خلاف آمریکا حرف زد و در زمین آن بازی نکرد. بازی که اگر در زمین آن وارد شدی، قطعاً محکوم به شکستی، یا باید مطابق با استانداردهای آمریکا بازی کنی و یا عنصر نامطلوبی هستی که جهان در مقابل تو قرار می‌گیرد و باید حذف شوی.

همین آمریکا چنین کرده است که اگر در زمین اقتصادی با او همراهی نکردی، محکوم به بحران اقتصادی هستی، اگر با او روابط دیپلماتیک نداشتی، محکوم به انزوا هستی، اگر از قواعد نظامی او سرپیچی کردی، محکوم به حمله نظامی هستی، اگر از سیاست آمریکا تبعیت نکردی، محکوم به سرنگونی نظام سیاسی هستی. این نظم نوین جهانی است که در آن با قواعد بین‌المللی، کشورها مدیریت می‌شوند. استانداردهای، جلوگیری از خشونت و تروریسم، حقوق بشر و امثالهم اسامی زیبایی برای این قاعده‌گذاری‌هاست. اسامی که اگر آن را پذیرفتی، بازی را از پیش باختی، چه آنکه بتوانی مطابق آن استاندارد شوی که مهره آمریکا می‌شوی و چه آنکه از آن تبعیت نکنی و در تقابل با آمریکا قرار بگیری.

انقلاب اسلامی چنین است، آمده تا بگوید قاعده بازی این نیست و زیر میز بزنی و نظم ساختگی جهان آمریکایی را بر هم بزنی. در این شرایط است که جهان می‌فهمد می‌توان با آمریکا سر سازش نداشت و از او تبعیت نکرد و همچنان باقی ماند، چنانچه سوریه زمین بازی آمریکا شد و علی‌رغم خرج هنگفت ۷ تریلیون دلاری اما شکست خورد و ایران در شکست آمریکا سهم داشت. زدن زیر این میز آن قدر هرج‌ومرج به پا کرد که هیمنه و نظم آمریکایی را دچار خدشه کرد و اکنون آغازی بر پایان این نظم و قاعده‌گذاری است. نظمی که ما باید در آن سهم داشته باشیم. جهان آینده باید جهان بدون استکبار باشد و نظم نوین جهانی آن‌طور که ما می‌خواهیم بشود، نه آن‌طور که آمریکا در حال ساختن آن بود. ما در تقابل با آمریکا، باید زمین بازی را عوض کنیم و ثابت کرده‌ایم که می‌توانیم. چنانچه حضرت آقا در اولین سالگرد حاج‌قاسم سلیمانی، با معرفی ایشان به‌عنوان فرمانده جنگ نرم‌افزاری علیه آمریکا، انتقام سختی که باید توسط جوانان از آمریکا گرفته شود را با چنین عبارتی بیان کردند «غلبه نرم‌افزاری بر هیمنه پوچ استکبار». این وظیفه جوانان نسل حاج‌قاسم است.

به این کار زده، به یک تا سه سال زندان محکوم خواهد شد.

بر اساس قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران، تولید، پردازش و انتقال شایعه به‌خودی‌خود، عملی مجرمانه به شمار نمی‌آید. هرچند از نظر شرعی، شایعه‌پراکنی، امری ناپسند است، و تا زمانی که به‌قصد اضرار به غیر یا کتمان حقیقت در جایی که موضوع جنبه قضایی دارد، انجام نشود، مجازاتی را به دنبال نخواهد داشت. ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی به همین امر اشاره دارد: «هر کس مردم را به‌قصد برهم‌زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یا یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرف‌نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد.»

در خصوص این موضوع اوایل تیرماه سال جاری (چندین ماه پیش از اغتشاشات اخیر) رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان قوه قضائیه فرمودند: «امنیت روانی یعنی هر روز یک شایعه‌ای، یک دروغی، یک حرف هراس‌افکننده‌ای در ذهن‌ها پخش نشود. حالا تا دیروز فقط روزنامه‌ها بودند که این کارها را می‌کردند، حالا فضای مجازی هم اضافه شده. هرچند وقت با چند روز یک‌بار، گاهی چند ساعت یک‌بار یک شایعه‌ای، یک دروغی، یک حرفی را یک آدم مشخصی یا نامشخصی در فضای مجازی منتشر می‌کند، مردم را نگران می‌کند، ذهن مردم را خراب می‌کند. یک دروغی را مطرح می‌کند، شایع می‌کند، خوب، این امنیت روانی مردم از بین می‌رود. یکی از وظایف قوه قضائیه برخورد با این مسئله است.

البته اینجا هم من شنیدم بعضی گفتند که قانون نداریم؛ اولاً می‌شود از همین قوانین موجود استفاده کرد و حکم این را فهمید؛ اگر قانون هم ندارید، سریع قانون تهیه کنید؛ اینها چیزهای مهمی است. فلذا تصویب قانونی که بتواند خلل‌های موجود در قوانین حال حاضر کشور را پوشش بدهد و بتواند در امر امنیت روانی جامعه ما را یاری کند، امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.»

اخیراً زمره‌هایی از مجلس به گوش می‌رسد که بنا بر آن قرار است طرحی را برای برخورد با اظهارنظرهای دلی و گاه‌وبیگاه افراد مشهور که همواره تبعات بسیاری را برای کشور در پی داشته است دنبال کنند. از آنجایی که این افراد همواره می‌توانند طیف وسیعی از مردم را تحت تأثیر قرار دهند؛ لذا باید دقت بیشتری در نشر مطالب موردنظر خود داشته باشند.

آزادی بیان حق طبیعی است که همه افراد آدمی به‌مقتضای انسان بودن خود، به طور یکسانی از آن برخوردار و به‌موجب آن در بیان اندیشه و فکر خود، تا جایی که موجب نقض حقوق دیگران و اصول ارزشی مورداحترام جامعه نشود، مجازند. انسان باید بداند، در بیان واقعیات مفید به حال بشر، چه در قلمرو مادی و چه در قلمرو معنوی، نه‌تنها آزاد است، بلکه کسی که اطلاعاتی از واقعیات و حقایق داشته باشد و قدرت بیان و تبلیغ آن‌ها را در خود احساس کند و درعین‌حال، ساکت بماند و مردم را از دریافت آن حقایق و واقعیات محروم سازد، هم در دنیا و هم در آخرت مورد بازخواست قرار خواهد گرفت.

اصل آزادی هم در اسلام پذیرفته شده است؛ اما چون حفظ امنیت اجتماعی و دفاع از حقوق همه افراد لازم است و یا ایجاد هرج‌ومرج و ضربه‌زدن به حیثیت افراد یا توهین به مقدّسات موجب زوال امنیت یا حیثیت افراد می‌شود، ممنوع می‌باشد.

در همین راستا بر اساس این طرح افرادی که اخبار کذب را نشر دهند، باید پاسخگوی تبعات سوء آن باشند. طرح مذکور در مورد هر خبری که آثار «سوء اجتماعی» داشته باشد و موجب ضربه به جامعه شود، صدق می‌کند.

به طور مثال اخیراً کمیته قضایی پارلمان ترکیه با لایحه مبارزه با اطلاعات فیک و گمراه‌کننده در فضای مجازی موافقت کرد. در این لایحه، نشر هر نوع اطلاعات گمراه‌کننده در شبکه‌های اجتماعی جرم محسوب می‌شود و فرد خاطی در صورتی که به اثبات برسد برای ایجاد نگرانی و تشویش اذهان عمومی دست

# سرزمینم

# ایران

اسلام و جمهوری اسلامی ایران، ۸ سال با ابرقدرت‌های جهانی و ریات‌های دیکتاتورشان نبرد می‌کنند، ۴۴ سال تحریم‌های کمرشکنی را که گوشه‌ای از آن ترکیه را به‌زانو در آورد و بیرهای اقتصادی آسیا را در قفس بُرد را تحمل کردند و امروز در جهان قدرت‌نمایی می‌کنند.

جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه‌ها، در تاریخ سرزمین ایران برتر است. مردم‌سالاری، استقلال، پیشرفت و پویایی در جمهوری اسلامی نه‌تنها به لحاظ برتری قابل‌مقایسه با حکومت دست‌نشانده‌های پهلوی و قاجاری نیست؛ بلکه حتی از دوران هخامنشیان و اشکانیان هم جلوتر است. آرمان امروز ایران اسلامی و پیشرفت آن با وجود این حجم دشمنی و کارشکنی دشمنان منحصربه‌فرد است و این کلام، کلام صاحب‌نظران و آمارهای بین‌المللی است.

اما گفتیم مردم ایران، مردمی کمال‌گرا و خواهان رسیدن به وضع مطلوب هستند. شهید بهشتی در این زمینه می‌فرمایند: «انقلاب ما انقلاب آرمان‌هاست نه انقلاب تسلیم به واقعیت‌ها. ما انقلاب کردیم که واقعیت‌ها را عوض کنیم، نه اینکه واقعیت‌ها را هر چه هست بپذیریم.» امروز هم نباید مشکلات را مشاهده نکرد، چشم روی آنها بست و آنها نادیده گرفت. مشکلات وجود دارد؛ سختی مسائل معیشتی و اقتصادی وجود دارد، اما قابل‌حل شدن است. مردمی که با عنایت الهی دنیا را در دفاع مقدس، حمایت از محور مقاومت و ایستادگی در برابر با تحریم‌ها مقهور خود کردند، و در مسئله کرونا با کمک‌های مؤمنانه یکدیگر به یاری نیازمندان آمدند. باز هم می‌توانند با کمک کردن به مسئولین، مطالبه صحیح و کار جهادی پله‌های پیشرفت را طی کنند و روزبه‌روز به وضعیت مطلوب‌تر برسند. ما با هم جشن پیروزی می‌گیریم.

آسیب ببیند، چراکه آن در سرزمین ما مصون بود و اگر آسیبی از ناحیه ما به آن می‌رسید مجازات می‌شدیم؛ اما شیرینی پیشرفت تلخی ضعف را از بین می‌برد. امروز نه‌تنها سگ‌های خودفروخته آمریکایی جایی در کشور ما ندارند؛ بلکه صدای آنها را در منطقه هم بریده‌ایم. غرش موشک‌های ما در حال حاضر زوزه‌های مستکبرین را خاموش کرده است. در قرن ۲۱ ما معادلات را رقم می‌زنیم و جلوی گستاخی و دخالت دشمنان را می‌گیریم و این اقتدار ماست. وقتی مردم ایران با یک حکومت عجین شده باشند، یعنی به آن معتقد باشند تا پای جان همراه آن هستند. در این موقع حتی اگر همه دنیا علیه ایران اقدام می‌کردند، مردم ایران آنها را شکست می‌دادند. البته عکس این قضیه هم وجود داشته است. گاهی حکومت ایران، فیل‌سواران را در سپاه خود می‌دید؛ ولی همین سپاه فیل‌های جنگی حریف حکومت عرب‌های مسلمان نمی‌شود چون مردم از ساسانیان حمایت نمی‌کنند. اما همین مردم با عقیده راسخ به

صفحات تاریخ سیاسی سرزمین ایران را که ورق می‌زنیم، پراست از سلسله، خاندان و حکومت‌های مختلف. حتی این سرزمین در طول تاریخ گاهی چندپاره شده و بخش‌های مختلف آن را حاکمان گوناگون بین خود تقسیم کردند. وجود این رفت و برگشت‌ها، طلوع و غروب‌ها سه امر را اثبات می‌کند: مردم ایران همواره خواهان وضع مطلوب هستند، دوم آنکه حامی حکومت مردم

مدارند و سوم اینکه زیر بار زور نمی‌روند. روزگاری در این سرزمین شکوه و شوکت هخامنشی و اشکانی زبازد جهانی داشته است. زمانی که ما در جهان یک ابرقدرت بودیم و امپراتوری ایران مالک نیمی از جهان بود. گاهی هم صفحات تاریخ برای ما ذغالی بوده، وقتی که خاک سرزمین ما را به نکاح دیگران در می‌آوردند و یا در جنگ با روس و انگلیس تفنگ‌دار حکام خودفروخته ما سرگرم بازدید از متروسک‌های غربی بودند، جز سیاهی رنگی به رخسار این سرزمین نبوده است. سخت است فراموشی روزی را که باید از سگ آمریکایی مراقبت می‌کردیم که نکند به نحوی

## عکس‌هایی که حرف می‌زنند

